

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۷-۴۴

بررسی زکات و نماز در آیه ولایت از منظر تقدم در تفسیر ابن کثیر

صدرالله جمشیدی^۱

محمد مهدی رضوانی حقیقی شیراز^۲

محسن زارعی جلیانی^۳

چکیده

در احکام دین اسلام زکات از جمله واجبات بشمار می رود که در ۳۲ آیه و بسیاری از روایات معصومان (ع) از آن سخن به میان آمده است. صلاة نیز به عنوان یکی از واجبات و ارکان مهم دین اسلام می باشد که در فارسی با کلمه نماز شناخته می شود. اهمیت نماز در اسلام به موجب برقراری ارتباط قلبی با خداوند که از آن به عنوان حضور قلب یاد می شود مورد توجه می باشد. لازم به ذکر است در ۲۷ آیه از ۳۲ آیه فوق الذکر کلمه زکات در کنار صلاة آورده شده است که تأکیدی بر ارتباط میان زکات و نماز می باشد. در این مقاله تلاش داریم با بررسی آیه ولایت در تفسیر ابن کثیر که اشاره ای به مسئله زکات در رکوع امام علی (ع) دارد. به شبهه ایجاد شده در زمینه حضور قلب در نماز و ارتباط آن با زکات از این جنبه که به جا آوردن عمل زکات حین نماز ناقض حضور قلب می باشد یا خیر پاسخ دهیم.

واژگان کلیدی

حضور قلب، امام علی (ع)، انگشتر.

۱. دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، گرایش قرآن و حدیث، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.
Email: Sadrolah.jamshidi@gmail.com

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Mehdi.rhf@gmail.com

۳. استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کازرون، دانشگاه آزاد اسلامی، کازرون، ایران.
Email: mohzareie@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

طرح مسأله

در باب نماز؛ خداوند بخشنده به جهت نزدیکی بندگانش به محضر پاکش موهبت نماز را بر ایشان عطا فرمود و بندگان را به ممارست در برپایی نماز دعوت نمود. نماز به مشابه میهمانی در محضر خداوند است که هر شخص با نشستن بر سر این سفره گسترده به تناسب کیفیت و ظرفیت خویش می تواند نسبت به آن بهره مند شود. از این رو مسئله ای به نام حضور قلب مطرح می گردد.

حضور قلب، روح نماز است؛ اگر چه نماز بدون حضور قلب نیز صحیح می باشد و ادای وظیفه و تکلیف است؛ ولی معراج مومن است که باعث تربیت انسان و باز داشتن ایشان از مفاسد اخلاقی، فحشا و منکر خواهد شد.

در واقع حضور قلب به معنای توجه و تمرکز روحی، قلبی و وجودی انسان به معبود در محضر ایشان و عدم توجه به موارد خارج از آن است.

در باب زکات؛ باید توجه داشت که اسلام دینی تنها مبتنی بر اخلاق، فلسفه و یا اعتقاد نمی باشد، بلکه بعنوان مجموعه قوانین جامع مورد نیاز جامعه که کلیه نیازمندی های مادی و معنوی را بر طرف می کند شناخته می شود. یکی از جنبه های مورد تاکید دین اسلام توجه به حمایت از محرومان و تلاش برای از بین بردن فاصله طبقاتی است. از این رو زکات بدلیل پوشش این موضوع در اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

آیه ولایت در تفسیر این کثیر به موضوع زکات در حین رکوع توسط امام علی (ع) پرداخته است. با علم به مبحث حضور قلب در نماز و اهمیت آن، توجه امام علی (ع) به امور خارج از نماز در حین رکوع شبهه تقدم نماز بر زکات و یا زکات بر نماز را ایجاد می کند. که با مرور و پژوهش در آیات مرتبط با زکات و نماز می توان پاسخ مناسب را استخراج کرد.

پیشینه

زکات و نماز در ادیان سابق

آیات ۷۱ تا ۷۳ سوره مبارک انبیاء

«وَنَجِّنَاهُ وَ لَوْطًا إِلَى الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَ وَهَبْنَا لَهُ اسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ اَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةَ وَ اِيتَاءَ الزَّكَاةَ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

«و او (ابراهیم) و لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم، رهانیدیم و اسحاق و یعقوب را [به عنوان نعمتی] افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.» (۱)

این آیات به اهمیت زکات در کنار نماز برای پیامبران بزرگی چون لوط، ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام و مامور بودن این پیامبران برای ابلاغ دستور الهی مبنی بر ادای زکات و اقامه نماز را مورد توجه قرار داده است.

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارک مریم

«قَالَ اِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ؕ اَتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مَبَارَكًا اَيْنَ مَا كُنْتُ وَ اَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»

«[حضرت عیسی در گهواره] گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.» (۲)

آیات ۵۴ و ۵۵ سوره مبارک مریم

«وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا وَ كَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا»

«و در این کتاب از اسماعیل یاد کن؛ زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود.» (۳)

زکات و نماز در اسلام

آیاتی از قرآن که به ارتباط زکات و نماز پرداخته اند: سوره بقره آیه ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷، ۲۷۷؛ سوره نساء آیه ۷۷، ۱۶۲؛ سوره مائده آیه ۱۲، ۵۵؛ سوره توبه آیه ۵، ۱۱، ۱۸، ۷۱؛ سوره مریم آیه ۳۱، ۵۵؛ سوره انبیاء آیه ۷۳؛ سوره حج آیه ۴۱، ۷۸؛ سوره مؤمنون آیه ۴؛ سوره نور آیه ۳۷، ۵۶؛ سوره نمل آیه ۳؛ سوره لقمان آیه ۴؛ سوره احزاب آیه ۳۳؛ سوره مجادله آیه ۱۳؛ سوره مزمل آیه ۲۰؛ سوره بینه آیه ۵.

آیات فوق زکات را در کنار نماز بیان کرده اند که خود نشان دهنده ارتباط بین این دو می باشد. در ادامه تفسیر برخی از این آیات در کتاب ابن کثیر آمده است.

۱- «و اقيموا الصلوة و اتوا الزکوة و ارکعوا مع الراکعين»

مقاتل بیان کرده است: سخن خداوند به اهل کتاب «و اقيموا الصلوة»: خداوند در این آیه به اهل کتاب امر کرد که با پیامبر نماز بگذارند. «و اتوا الزکاة»: در این آیه نیز به اهل کتاب امر کرد که زکات بپردازند. یعنی زکات را به پیامبر تحویل دهند. «و ارکعوا مع الراکعين»: در این آیه خداوند به اهل کتاب امر کرد که با رکوع کنندگان از امت محمد (ص) رکوع کنند. یعنی خداوند فرموده است: از مسلمانان و همراه مسلمانان باشید. علی بن ابی طلحه از ابن عباس نقل کرده است «اتوا الزکوة» منظور از زکاة ۲۰۰ مورد و بالاتر است. مبارک بن فضاله از حسن در مورد «اتوا الزکاة» گفته است که منظور فریضه واجب است که اعمال و کارهای بندگان نفعی ندارد مگر با زکات و نماز. ابن ابی حاتم گفته است که ابو زرعه از عثمان بن ابی شیبه از جریر از ابی حیان عجمی تیمی از حارث عکلی در مورد «اتوا الزکاة» نقل کرده است: منظور از این بخش از آیه صدقه فطریه است و منظور از «و ارکعوا مع الراکعين» این است که در کارهای خوب مسلمانان به همراه آنها باشید. که از جمله بهترین کارها و کامل ترین آنها نماز است. (۴)

۲- «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»

در این آیات خداوند مومنان را به دوستی و عفو و احتمال دعوت می کند تا اینکه امر و دستور خداوند درباره پیروزی و فتح بیاید. در این آیات همچنین خداوند مومنان را به اقامه

نماز و پرداخت زکاة امر می‌کند و آنها را به این کار تشویق و ترغیب می‌کند.

آیه «و اقيموا الصلاة و اتوا الزکوة و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله» خداوند مسلمانان را به انجام چیزی تشویق می‌کند که به نفع آنان است و در روز قیامت عاقب نیک آن برای آنها باز گردد. هر کسی نماز را به پا دارد و زکات را پردازد، تا اینکه خداوند نصر و پیروزی در دنیا و شهادت به نیکی در آخرت را نسیب آنان کند. (۵)

۳- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

زمانی که خداوند صفات ناپسند منافقین را برشمرد، بعد از آن صفات پسندیده مومنان را نیز برشمرد و فرمود «بعضهم اولیاء بعض» یعنی به هم یاری می‌رسانند و از یکدیگر حمایت می‌کنند. در صحیح آمده است: «مومن برای مومن به مانند بنیادی است که یکدیگر را محکم می‌کند» و به عنوان تمثیل انگشتان خود را به هم گره زد. همچنین در کتاب صحیح آمده است «مثل مومنان در دوستی و همیاری به همدیگر به مانند یک جسم است، اگر یک عضوی دچار مشکل شود دیگر اعضای جسم با شب زنده دار از او حمایت می‌کنند». منظور از آیه «یامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر»، و آیه «ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون» و آیه «و یقیمون الصلوة و یوتون الزکاة» این است که از خداوند اطاعت می‌کنند و به بندگان او احسان می‌کنند. «و یطیعون الله و رسوله» یعنی از پیامبر اطاعت می‌کنند در امری که داده است و از او اطاعت می‌کنند در ترک کردن چیزی که پیامبر از آن بیزار است. «اولئک سیرحمهم الله» یعنی هر کسی که دارای این صفات است خداوند او را مورد مرحمت خود قرار می‌دهد. «ان الله عزیز حکیم» یعنی هر کسی که از خداوند اطاعت کند خداوند او را توانا خواهد کرد. زیرا توانایی برای خداوند و پیامبرش و مومنین است. «حکیم» یعنی خداوند در تقسیم این صفات برای این افراد حکیم است. همچنین در اختصاص دادن منافقان به صفاتی که برای آنها ذکر شد نیز حکیم است. زیرا خداوند تبارک و تعالی در همه کارهایی که انجام می‌دهد حکیم است. (۶)

۴- «و الذین هم للزکاة فاعلون»

اکثر علما عقیده دارند منظور از زکات در این آیه زکات اموال است، زیرا این آیه مکی است و زکات در مدینه و در سال دوم هجرت واجب شد. و ظاهراً چیزی که در مدینه واجب شد اموالی بودند که زکات به آنها تعلق می‌گرفت و مقادیر آنهاست. در غیر این صورت ظاهراً زکات در اصل در مکه واجب شده بود همانگونه که خداوند در سوره انعام که مکی است فرموده است «واتوا حقه یوم حصاده». همچنین احتمال دارد که منظور از زکات در آیه زکات نفس از شرک و پستی باشد. مانند آیه «قد افلح من زکئها؛ و قد خاب من دئها» و آیه «وویل للمشرکین الذین لا یوتون الزکوة». طبق یکی از دو قول در تفسیر این آیه. همچنین احتمال دارد که منظور هر دو مورد باشد یعنی هم زکات نفس و هم زکات اموال، زیرا از جمله زکات نفوس است. مومن کامل کسی است که هم زکات نفس را می‌دهد و هم زکات اموال را. و خداوند دانایتر است. (۷)

زکات و نماز در روایات و احادیث

زکات و نماز در روایاتی مورد توجه قرار گرفته است که به دو مورد از آن اشاره می‌کنیم.

۱- در روایتی در کتاب المناقب ابن شهر آشوب آمده که به پیامبر خدا (ص) دو ناقة هدیه شد. پیامبر (ص) به اصحاب خود فرمود: «آیا بین شما کسی هست که دو رکعت نماز با قیام، رکوع، سجود، وضو و فروتنی آن به جا آورد و در آن، به چیزی از دنیا همّت نرزد و دلش به فکر دنیا نیفتد تا یکی از این دو ناقة را به او هدیه بدهم؟». یک بار، دو بار و سه بار فرمود و هیچ کدام از یارانش پاسخ ندادند تا این که امیر مؤمنان (ع) برخاست و گفت: «من، ای پیامبر خدا! دو رکعت نماز به جا می‌آورم و تکبیرة الإحرام می‌گویم و تا آن هنگام که سلام بدهم، به یاد چیزی از دنیا نخواهم افتاد». پیامبر (ص) فرمود: «ای علی! درود خدا بر تو باد! بخوان». امیر مؤمنان، تکبیر گفت و وارد نماز شد. هنگامی که سلام داد، جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) فرود آمد و گفت: «ای محمد! خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: یکی از دو ناقة را به او بده». پیامبر خدا (ص) فرمود: «من با او شرط کردم که دو رکعت، نماز بگزارد و در آن، هیچ به یاد چیزی از دنیا نیفتد تا اگر نماز گزارد، یکی از دو

ناقه را به وی بدهم و او در تشهّد نشست و پیش خود فکر کرد که کدام یک از آن دو را بگیرد». جبرئیل (ع) گفت: «ای محمد! خداوند به تو سلام می رساند و می گوید: او اندیشید که کدام یک را بگیرد که چاق تر و بزرگ تر باشد و آن را نحر کند و در راه خدا، آن را صدقه بدهد. بنا بر این، تفکر او برای خداوند بود، نه خودش و یا دنیا». پیامبر خدا(ص) گریست و هر دو ناقه را به وی داد. (المناقب، ج ۱ ص ۳۰۲).

۲- رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در آخرین خطبه خود فرمود: ای مردم! زکات اموال خود را پردازید که هر کس زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجی و نه جهادی. (مستدرک، ج ۱، ص ۵۰۷).

۳- در روایتی دیگر پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۲۹) زکات اموال خود را پردازید تا نمازتان قبول شود

۴- پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و حضرت علی - علیه السلام - فرمود: علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه، زکات. (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۵)

۵- رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود: «لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و اقاموا الصلوة و اتوا الزکاة فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین» (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۴۸) امت من مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می شوند.

۶- امام باقر - علیه السلام - فرمود: روزی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - وارد مسجد شدند و با جمله «قم یا فلان، قم یا فلان، قم یا فلان»، پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی دهید از مسجد بیرون بروید. (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۱) همچنین در سوره معراج آیه ۲۱ - ۲۲ در همین باب آمده است: آری، نماز گزار واقعی بخیل نیست: «إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ» «و چون مال و دولتی به او رو کند (بخل ورزد و) منع (احسان) نماید مگر نماز گزاران حقیقی».

۷- در روایات می خوانیم: «إِنَّهَا النَّاسُ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ فَمَنْ لَا يَزَكِّي لَا صَلَوةَ لَهُ وَ مَنْ لَا صَلَوةَ لَهُ لَا دِينَ لَهُ وَ مَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا حَجَّ وَ لَا جِهَادَ لَهُ» (مستدرک، ج ۱، ص ۷۵) قبولی

تمام اعمال، وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات.

۸- امام رضا - علیه السلام - فرمود: خداوند نماز و زکات را هم‌تا و مقرون یکدیگر قرار داده و نماز بی زکات پذیرفته نیست. (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۰ و ۳۳)

۹- در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «ان الزکاة جعلت مع الصلاة قرباناً لاهل الاسلام» (جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۳۳) خداوند زکات را همراه با نماز، وسیله تقرب مسلمین به خود قرار داد.

۱۰- در تفسیر علی بن ابراهیم (منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام) روایتی جامع و کامل در این موضوع آمده است که ترجمه آن را تقدیم می‌کنیم:

«...اما زکات؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله [درباره آن] فرمود: هر کس زکات [مال خود] را به مستحق بدهد و نماز را با حدود و شرایطش به جا آورد و به این دو (نماز و زکات) چیزی از گناهان که آن دو را باطل کند، ملحق نکند، در روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که تمام حاضرین در عرصات قیامت به حال او غبطه می‌خورند تا این که نسیم بهشتی او را تا بالاترین غرفه‌ها و تالارهای بهشت، به محضر محمد و خاندان طیبین و طاهرین آن حضرت - که این شخص آنها را دوست می‌داشته - بالا می‌برد.

هر کس که نسبت به زکات مالش بخل بورزد و [لی] نمازش را به جا آورد، نمازش نگاه داشته می‌شود و به آسمان نمی‌رود تا وقتی که زکات مالش بیاید، پس اگر زکات را داد، آن زکات، به صورت راهوارترین اسبها برای حمل نمازش در می‌آید و نماز را تا ساق عرش با خود می‌برد و حمل می‌کند؛ پس خداوند عزوجل [خطاب به آن شخص] می‌فرماید:

در بهشت [با این مرکب] سیر کن و تا روز قیامت در آن بتاز پس تا هر کجا که تاختن تو به آن منتهی شد، همه آن و راست و چپ آن برای توست؛ پس آن اسب شروع به تاختن می‌کند به طوری که در هر روز در یک چشم به هم زدن با هر پُرش و جهش مسافت یک سال را طی می‌کند تا این که به جایی که خداوند تعالی می‌خواهد منتهی می‌شود.

پس همه آن مقدار طی شده و مثل آن مقدار از جهت راست آن و چپ آن و مقابل آن

و پشت آن و بالای آن و زیر آن، برای آن شخص است. و [لی] اگر نسبت به زکاتش بخل بورزد و آن را پرداخت نکند، امر می شود [به ملائکه که نمازش را به او برگردانند] پس نماز به آن شخص برگردانده می شود و نمازش در هم پیچیده می شود همچنان که لباس کهنه را می پیچند و آن را به صورت آن فرد می زنند و [به او] گفته می شود: ای بنده خدا! این نماز بدون زکات به چه دردت می خورد». (تفسیر علی بن ابراهیم، ص ۷۶، ح ۳۹).

۱۱- در پاره ای از روایات از نمازی که به همراهش زکات نباشد به نماز غیر مقبول یا ناقص تعبیر شده است که در اینجا به نقل چند روایت در این باره می پردازیم.

روایت اول: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَلَاةَ رَجُلٍ لَا يُؤَدِّي الزَّكَاةَ حَتَّى يَجْمَعَهُمَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَمَعَهُمَا فَلَا تُفَرَّقُوا بَيْنَهُمَا»

«خداوند عزوجل نماز کسی را که زکات ندهد قبول نمی کند تا وقتی که میان آن دو جمع کند؛ زیرا خداوند آن دو را جمع کرده است، پس میان آن دو جدایی میندازید.» (الصلاة، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۳۷)

روایت دوم: امام رضا علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَيْنَهُمَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى؛ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ، فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقَبَّلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ»

«خدای عزوجل به سه چیز فرمان داده که هر یک از آنها با چیز دیگری پیوسته و قرین است، به نماز و زکات [در کنار هم] فرمان داد پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نیست. (جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۶)

روایت سوم: امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ»

«کسی که زکات ندهد نمازش بی حاصل است و کسی که ورع نداشته باشد زکاتش

پذیرفته نیست (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۸۳)

۱۲- اخراج نماز گزار بی زکات از مسجد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بینا رسول الله صلى الله عليه و آله في المسجد اذ قال قُم يا فلان قُم يا فلان حتى أخرج خمسة نفر فقال: اخرجوا من مسجدنا لا تَصَلُّوا منه و انتم لا تزكّون»
 «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد حضور داشت که خطاب به چند نفر فرمود: ای فلان بلند شو! ای فلان بلند شو! تا این که پنج نفر را از مسجد بیرون کرد. سپس فرمود: از مسجد ما بیرون روید و در آن نماز نخوانید؛ زیرا شما زکات نمی دهید».
 شاید بتوان این استفاده را از روایت کرد که نمازگزاری که اهل زکات نباشد باید از اجتماعات مسلمین طرد شود؛ زیرا این شخص دینی ناقص و روشی ناصحیح دارد و برای اجتماع مسلمین مضر است. (جامع الاحادیث، ج ۸، ص ۷)

روش تحقیق

بحث نظری

۱- این که قرآن کریم زکات را عدل و قرین نماز قرار داده است معلوم می شود که اگر نماز ستون دین است پس زکات هم ستون دین است؛ اگر نماز بهترین اعمال است، زکات هم چنین است و اگر نماز وسیله تقرب الی الله است زکات نیز سبب تقرب است (الحیاء، ج ۶، ص ۲۴۵ و ۲۴۶).

۲- پیوستگی نماز و زکات در آیات و روایات از ارتباط عمیق بین زندگی عبادی و زندگی اقتصادی در اسلام حکایت می کند و نیز حکایت از این دارد که انفاق و بخشش مال نقش والایی در تکامل روحی انسان دارد. (الحیاء، ج ۶، ص ۲۴۵ و ۲۴۶).

۳- ارتباطی قوی و مستحکم بین تقرب الی الله و عبادت خدا و بذل مال به منظور نابودی فقر از جامعه وجود دارد. زندگی اسلامی زندگی یکپارچه ای است که اجزاء آن از همدیگر جدا نیست؛ از این رو است که نماز با زکات قبول می شود و ایمان و یقین با ادا کردن زکات شناخته می شود؛ پس ایمان به خدای تعالی، همچنان که مؤمنین را به خضوع در برابر پروردگار جهانیان با رکوع و سجود و تضرع فرا می خواند، به همان گونه آنان را به مبارزه با فقر و رسیدگی به محرومین دعوت می کند. (الحیاء، ج ۶، ص ۲۴۵ و ۲۴۶).

۴- نماز یک عبادت روحی و زکات یک عبادت مالی است و هر کس بتواند برای جلب رضایت خدا به پرداخت زکات موفق شود؛ از خود گذشتن در راه خدا برای او امری

آسان خواهد بود. (تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۱۷۵).

۵- تکیه بر دو رکن نماز و زکات، بیان این واقعیت است که مسلمان شایسته است هم با خدا ارتباطی عاشقانه و صمیمی داشته باشد و هم در رابطه با مردم بی تفاوت نبوده و وظایف واجب و مستحب مالی خود را انجام دهد و به فکر محرومان جامعه باشد. در قرآن اقامه نماز و پرداخت زکات به عنوان محک ایمان و اخلاص برشمرده شده است و این دو در حقیقت اولین گام وفاداری به دین معرفی شده اند چنان که قرآن می‌فرماید:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (سوره بقره (۲) آیه ۴۳)

«نماز به پا دارید و زکات پردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید»

پس روشن می‌شود که یاد خدا همراه با توجه به خلق خداست و پرواز روح همراه با امداد جسم است.

اگر کمک به محرومان همراه با نماز و رابطه با خدا باشد مفید است؛ و گرنه همراه با منت و استعمار خواهد بود و سر از برده کشی در خواهد آورد. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۸۲)

۶- در «زکات» اسراری وجود دارد که در نماز هم موجود است، از جمله:

الف. در زکات به فقرا و محرومین کمک مادی می‌شود؛ در نماز برای آنان و همه مسلمین دعا می‌شود؛

ب. در زکات، مال انسان پاکیزه می‌شود؛ در نماز قلب او؛

ج. پرداخت زکات شکر مالی است؛ اقامه نماز، شکر جانی و بدنی است؛

د. با دادن زکات، صفت بخل از انسان دور می‌شود؛ با خواندن نماز صفت تکبر سرکوب می‌شود؛

ه. زکات حافظ مال است؛ نماز حافظ همه اعمال است؛

و. زکات سرمایه فقیران است؛ نماز سرمایه عابدان است؛

ی. زکات دهنده دوست دارد مالش برکت کند و زیاد شود، نمازگزار هم به دنبال

پادشاهی بسیار است. (هزار و یک نکته درباره نماز، حسین دیلمی، ص ۱۶۰).

۷ - برخی از مفسران گفته اند که «الصلوة تبلغك باب الملك و الصدقة تدخلک علیه»؛ یعنی نماز تو را به باب ملک می رساند و زکات سبب وارد شدن بر ملک است. (تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، ابوالفضل رشید الدین المیبدی، ج ۱، ص ۲۵۲)

۸ - بدترین نماز گزاران (اصحاب رده).

در تاریخ اسلام می خوانیم که گروهی بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتد و به «اصحاب رده» معروف شدند. آنها جمعی از طوایف «بنی طی»، «غطفان» و «بنی اسد» بودند که از دادن زکات به مأموران و عاملین حکومت اسلامی خودداری کردند و با این عمل پرچم مخالفت برافراشتند.

آنها مخالف صد در صد حکومت نبودند، اما زکات را به عنوان حکمی از احکام اسلام قبول نداشتند و به مصداق آیه ۱۵۰ سوره نساء: «ثُمَّ بَیْعُتُ مِنْكُمْ ثَمَنًا بِقُرْبَانِكُمْ فَاتُّخِذَ مِنْكُمْ قِبَالًا وَ اُولَئِكَ سَمِعُوا لَكُمْ وَ اُولَئِكَ اسَفٌ لِّلَّذِينَ اسَفُوا» می گفتند: «اما الصلاة فنصلي و اما الزكاة فلا يُعَصَب اموالنا»؛ یعنی نماز می خوانیم ولی زکات نه، اجازه نمی دهیم اموالمان غصب گردد.

در پی این بدعت، مسلمانان که این عمل آنها را ارتداد می دانستند تصمیم گرفتند با این گروه مرتد به پیکار برخیزند و سرانجام با آنان جنگیدند و آنها را در هم کوبیدند. (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۱۷)

شباهت‌های زکات و نماز در قرآن

۱- زکات همانند نماز، سیره پیامبران و اولیاء الهی بوده است؛^۱ سوره مائده (۵) آیه ۵۵؛ سوره بینه (۹۸) آیه ۵.

۲- زکات همانند نماز، در همه ادیان وجود داشته است؛ (سوره انبیاء (۲۱) آیه ۷۳).

۳- زکات همانند نماز، سبب آمرزش گناهان است؛ (سوره مائده (۵) آیه ۱۲).

۴- زکات همانند نماز، در پی دارنده اجر عظیم عندالله است؛ (سوره بقره (۲) آیات ۱۱۰ و ۲۷۷؛ سوره نساء (۴) آیه ۱۶۲).

۵- زکات همانند نماز، از نشانه های اهل یقین است؛ (سوره لقمان (۳۱) آیه ۴).

۶- زکات همانند نماز، از نشانه های مؤمنان راستین و سبب رستگاری است؛ (سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۱ - ۴).

۷- زکات همانند نماز، شرط برادری و اخوت دینی است؛ (سوره توبه (۹) آیات ۱۱ و

(۷۱).

شباهت‌های زکات و نماز در روایات

۱- زکات همانند نماز، از ارکان دین اسلام است. حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ»

«اسلام بر پنج پایه استوار شده است؛ بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت»

(بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۴).

۲- زکات همانند نماز، موجب آمرزش گناهان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود:

«الزَّكَاةُ تُذْهِبُ الذَّنْبَ»

«زکات گناهان را از بین می برد.» (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۲).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره نماز فرمود:

«أَتَاهَا لَتَحْتَ الذَّنْبِ حَتَّ الْوَرَقِ»

«نماز گناهان را مانند ریزش برگ درختان فرو می ریزد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹).

۳- ترک زکات همانند ترک نماز، موجب کفر است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله

علیه و آله فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي مَحْمَدٌ بِيَدِهِ مَا خَانَ اللَّهَ أَحَدٌ شَيْئًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ إِلَّا مُشْرِكٌ بِاللَّهِ»

(بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۹).

«قسم به کسی که جان محمد به دست اوست هیچ کس در چیزی از زکات مالش به

خداوند خیانت نکرد مگر مشرک به خدا»

نیز فرمود:

«بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ»

«فاصله بین بنده و کفر، ترک نماز است.» (بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲).

۴- زکات همانند نماز، پالایش و پاکی روح را در پی دارد. در روایتی زیبا از حضرت

زهره علیها السلام آمده است:

«فَجَعَلَ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَا مِنَ الْكِبَرِ وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ

و نماء فی الرزق»

«پس خداوند ایمان را برای پاک شدن شما از شرک و نماز را برای دور شدن شما از تکبر و زکات را برای پاکیزگی روح و افزایش رزق قرار داد». (الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۴).
۵- ترک زکات همچون ترک نماز، در پی دارنده سوء عاقبت است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ مَنَعَ قِرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ أَنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»

«هر کس که به اندازه یک قیراط [تقریباً هم وزن ۴ عدد جو] زکات مالش را ندهد پس باید [بر دینی غیر از اسلام] بمیرد خواه [بر دین] یهود یا نصارا». (فروع کافی، ج ۳، ص ۵۰۵).

با توجه به این که یکی از مصادیق بارز صدقه، زکات است نقش زکات در نابودی و به عجز در آوردن شیطان در این روایت آشکار است.

آیه ولایت در تفسیر ابن کثیر

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

همانا ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز بر پای می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.

منظور از آیه «الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم راكعون» مومنانی هستند که دارای این صفات می باشند. منظور کسی که نماز را اقامه کند که نماز بزرگترین رکن اسلام است. و صرفاً برای خداوند است و شریکی در آن ندارد، پرداخت زکات که حق بندگان است و در واقع کمکی است برای افراد ضعیف و مسکین که محتاج هستند. در مورد «و هم رکعون» برخی گمان کرده اند منظور از آن حالت افرادی هستند که زکان می پردازند «و یوتون الزکاة»، یعنی افراد در حال رکوع زکات می دهند. اگر منظور چنین معنی ای باشد، پرداخت زکات در حال نماز بهتر از دیگر زمان ها باشد. زیرا مورد ستایش خداوند قرار گرفته است. اما هیچ یک از علمایی که می شناسیم و صاحب فتوا هستند قائل

به چنین معنایی نشده‌اند. حتی برخی از آنان گفته‌اند در این آیه نشانی از علی بن ابی طالب می‌باشد: این آیه درباره این قضیه نازل شده است که: در حالی که امام علی در حال رکوع بودند فرد سائلی از او درخواست کمک کرد و امام انگشتر خود را به او دادند. ابن ابی حاتم گفته است: ربیع بن سلیمان مرادی از ایوب بن سوید، از عتبۀ بن ابی حکیم در مورد آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا» نقل کرده‌اند: که منظور مومنان و علی بن ابی طالب است. ابو سعید اشجع، از فضل بن دکین ابو نعیم احوّل از موسی بن قیس حضرمی از سلمه بن کهیل نقل کرده است: علی در حالی که در رکوع بود صدقه داد پس آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوۀ و یوتون الزکوۀ و هم راکعون» نازل شد. ابن جریر از حارث از عبدالعزیز از غالب بن عبیدالله نقل کرده است که مجاهد در مورد آیه «انما ولیکم الله و رسوله» می‌گوید: آیه در مورد علی بن ابی طالب نازل شده است زیرا در حالت رکوع صدقه داده است. عبدالرزاق از عبدالوهاب بن مجاهد از پدرش از ابن عباس در مورد آیه «انما ولیکم الله و رسوله» نقل کرده است: آیه در مورد علی بن ابی طالب نازل شده است. عبدالوهاب ابن مجاهد به این آیه احتجاج نمی‌کند.

ابن مردویه از سفیان ثوری از ابی سنان از ضحاک از ابن عباس نقل کرده‌اند: علی ابن ابی طالب به نماز ایستاده بود و در حالی که به رکوع رفت محتاجی به نزد او آمد و او انگشتر خود را به محتاج داد. پس آیه «انما ولیکم الله و رسوله» نازل شد. ضحاک با ابن عباس ملاقات نداشته و او را ندیده است. ابن مردویه نیز به سند محمد بن سائب کلبی - که مطرود و متروک است - از ابی صالح از ابن عباس نقل کرده است: پیامبر اکرم از خانه به سمت مسجد خارج شد. مردم در حال نماز بودند برخی در حال رکوع برخی در حال سجود و برخی ایستاده و برخی نشسته بودند (در نماز). در آن حین مسکینی آمد که درخواست کمک کرد، پیامبر در آن زمان وارد مسجد شد و از مسکین سوال کرد آیا کسی به تو کمک کرد (کسی چیزی به تو داد)؟ گفت بلی، پیامبر پرسید چه کسی؟ مسکین جواب داد آن مردی که به نماز ایستاده است. پیامبر پرسید: علی در چه حالتی بود و به تو انگشتر را داد؟ مسکین گفت در حالی که به رکوع رفته بود. پیامبر گفت او علی بن ابی طالب است. در همان زمان پیامبر تکبیر گفت و آیه «و من یتول الله و رسوله و الذین ءامنوا

فان حزب الله هم الغلبون» را خواند.

اما سند این روایت چندان قابل اطمینان نیست. ابن مردویه این روایت را از سند خود علی بن ابی طالب و عمار بن یاسر و ابی رافع نقل کرده است. اما این روایت به هیچ وجه صحیحی نمی‌باشد زیرا سند آن ضعیف و رجال آن مجهول هستند. ابن مردویه به سند خود از میمون بن مهران از ابن عباس در مورد آیه «انما ولیکم الله و رسوله» نقل کرده است که این آیه در مورد مومنان نازل شده است که علی بن ابی طالب اولین آن مومنان می‌باشد. ابن جریر گفته است: هناد از عبده، از عبدالملک از ابی جعفر نقل کرده است که از آیه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوٰه و یوتون الزکوٰه و هم راکعون» سوال کردم. منظور از کسانی که ایمان آوردند در آیه، چه افرادی هستند؟ گفت کسانی که ایمان آورده‌اند. گفتیم: شنیدیم آیه در مورد علی بن ابی طالب نازل شده است. گفت: علی بن ابی طالب از کسانی است که ایمان آورده‌اند. اسباط از سدی نقل کرده است: این آیه در مورد همه مومنان نازل شده است. اما علی بن ابی طالب در حالی که در مسجد در حال رکوع بود، محتاج و سائلی از او درخواست کمک کرد.

با توجه به بیانات تفسیر ابن کثیر درباره آیه ۵۵ سوره مائده، اشارات به نزول این آیه بعد از زکات حین رکوع حضرت علی (ع) می‌باشد.

بر اساس اصل حضور قلب در نماز؛ امام علی (ع) وقت نماز، کاملاً متوجه و متمرکز بر محضر خداوند بود. آنچنان که مطابق با برخی روایات، در جنگ صفین، تیری به پای مبارک ایشان اصابت کرد که گویا به استخوان رسیده بود. نظر به کمبود امکانات در آن زمان خارج کردن تیر نیز مشکل و خطرناک به نظر می‌رسید. امام حسن (ع) در پاسخ به مشورت فرمودند: پدرم در هنگام نماز، به این عالم توجه ندارد. لذا در آن حالت، تیر را خارج سازید». این روایت که بر عمق حضور قلب حضرت علی (ع) تاکید دارد، وقتی با زکات در رکوع مقایسه میشود، این شبهه را بوجود می‌آورد که آیا زکات مقدم بر نماز است که موجب توجه امام علی (ع) به فقیر در هنگام رکوع می‌شود یا خیر؟

در بحث حضور قلب در نماز و عمل به فریضه زکات حین نماز؛ ماهیت و چگونگی پرداختن به توجه، مورد نظر می‌باشد. در نماز توجه به خدا در محضر خداوند است. لذا

توجه برای خداوند است. بنابراین اگر در محضر خداوند که همان نماز است به کاری توجه شود که برای خدا و به سفارش ایشان است، در واقع همان توجه به خداوند است. از این جنبه که خواسته شخص نیازمند کمک بود و خداوند نیز بر کمک به نیازمندان در قالب فریضه زکات بسیار تاکید کرده است اینطور استنباط می شود که اگر شخصی نیازمند هنگامی که در محضر و میهمان خداوند هستید طلب کمک کند، با توجه به سفارشات میزبان مبنی بر زکات به جهت رفع فقر در جامعه، صحیح است که به زکات حین نماز توجه شود. به همین استدلال زکات برای خدا ناقض حضور قلب نمی باشد.

نتیجه گیری

زکات بعنوان یک عبادت مالی در ظاهر جنبه مادی دارد ولی بدلیل آنکه موجب نزدیکی به خداوند، صبر، بخشودگی گناهان، ایجاد زمینه استجابت دعا، قبولی نماز و .. می شود، نشان می دهد که زکات اگرچه ظاهری مادی دارد ولی نقش بسیاری در تعالی روح دارد. بنابراین زکات نیز در کنار نماز که از جمله مهم ترین تصفیه کننده های روح است؛ می تواند بعنوان یک مکمل مطرح باشد و بالعکس.

در بحث اینکه آیا نماز بر زکات تقدم دارد یا خیر همانگونه که مطرح شد، حضور قلب در نماز به سبب توجه به خداوند است. با توجه به اینکه شخص نماز گزار میهمان خداوند است، چنانچه در محضر خداوند که شما را به زکات دعوت کرده است؛ نیازمندی طلب کمک کند. توجه به نیاز آن نیازمند به مثابه توجه به خداوند است. لذا از آن جهت که ذات حضور قلب در نماز مبتنی بر توجه به خداوند است، عمل به زکات نیز اگر برای خداوند باشد هم تراز با حضور قلب در نماز بوده و ناقض آن نیست. لذا در پاسخ به بحث پیش آمده، زکات هم تراز با نماز است و هیچ یک بر دیگری تقدم ندارد بلکه بین این دو نوعی پیوند وجود دارد که مکمل یکدیگر می باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ ۲، ۱۴۰۳ق.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی، قم: قدس، ۱۳۹۴.
۳. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور، قم: مؤسسه در راه حق، چ ۱، ۱۳۷۴.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۲، ۱۳۷۴.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۶. نوری طبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چ ۱، ۱۳۶۹.
۷. جالقی بروجردی، علی اصغر بن محمد شفیع (۱۴۱۰ ق)، «طرائف المقال»، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره).
۸. طباطبایی بروجردی، سید حسین، (۱۳۴۰ ق)، «جامع الاحادیث الشیعه»، /، قم، مطبعه المساحه.
۹. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۶ ق)، «تفسیر ابن کثیر»، / بیروت، المکتبه العصریه
۱۰. مبدی، احمد بن محمد (۱۳۹۳ ش)، «کشف الأسرار و عدة الأبرار»، / تهران، امیر کبیر
۱۱. تفسیر علی بن ابراهیم،
۱۲. الصلاة، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۳۷.
۱۳. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۸۳.
۱۴. آرام، احمد، الحیاه، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی چ ۴، ۱۳۸۰.
۱۵. تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۱۷۵.
۱۶. هزار و یک نکته درباره نماز، حسین دیلمی، ص ۱۶۰.
۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.